



ویژگی زندگی در عصر ظهور

طاهره سادات نصیمی*

چکیده

عصر ظهور، زمانی است که حکومت جهانیان در دست حضرت قائم (ع) است. این عصر، ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که در دو عرصه قابل بررسی است: عرصه اول با محوریت حکومت و کارگزاران آن وابسته به نوع سیاست حاکم در جهت استحکام عقاید مردم و ایجاد وحدت رویه جهانی است که با جمع‌آوری تفکرات و اعدام بدعت‌های ویرانگر و قصاص جنایتکاران صورت می‌گیرد. در نتیجه زندگی مردم به گونه‌ای شگفت‌انگیز تغییر خواهد کرد. زیرا استضعاف و استعباد مردم از بین رفته، نگرش عقلی آنان گسترش می‌یابد و با وسعت قوه تفکر و دانش، عصر ظهور، مجهز به فن‌آوری‌های نوین خواهد شد. به گواهی قرآن و روایات، صالحان در سراسر جهان، ثبات و قوام یافته، بندگان نیکوکار، زمین را به ارث خواهند برد. زمین از فقر و رذائل پاکسازی شده و نعمت‌های الهی بر مردم جهان سرازیر و عدالت مطلق حکمفرما خواهد شد. عصر ظهور، مدینه فاضله‌ای است که از آرمان‌های الهی و آرزوی همه پیامبران و انسان‌های نیک

* مدرس حوزه و دانشگاه، دانشجوی دکتری مطالعات تطبیقی مذاهب اسلامی از دانشگاه ادیان و مذاهب قم.

سرشت نشأت می گیرد. در گستره قرآن و روایات، این عصر، واجد شاخص های مذکور به طور ثابت و کامل است.

کلیدواژه ها: عصر ظهور، عدالت مطلق، حکومت مهدوی، استضعاف، وراثت صالحان.

مقدمه

زندگی توأم با آسایش و آرامش از مؤلفه های حکومت موعود در تمامی ادیان الهی است. از آنجا که آموزه های الهی بر اساس فطرت ذاتی انسان ها بر قلب پیامبران و برای رسیدن به کمال نازل شده، به تمامی ابعاد و امیال انسان ها توجه کافی صورت گرفته است. انسان ها در طول تاریخ همواره در جستجوی رسیدن به زندگی بهتر همراه با آینده ای متکامل و سامان یافته تر بوده اند. آرزوی داشتن زندگی همراه با آرامش و آسایش با زندگی تمامی انسان ها در آمیخته و در طول تاریخ با تمامی آرزوهای آنان پیوستگی و ارتباط خاصی دارد. این آرزو در زندگی انسانها به صورت ها و شکل های مختلفی و از سوی اندیشمندان متفاوتی بیان شده است. افلاطون و فارابی، کمونیست ها و سوسیالیست ها از جامعه رویایی خاصی تحت عنوان مدینه فاضله سخن گفته اند و هر یک توجیحات و کیفیات خاصی را مطرح نموده اند. اما مدینه فاضله یا جامعه تکامل یافته ای که در منابع اسلامی بیان شده، ویژگی های خاصی دارد که او را از تمامی فرضیه ها و خصوصیات مطرح شده در دیدگاه های اندیشمندان و مکاتب دیگر متمایز می سازد.

یکی از مهمترین ویژگی های عصر ظهور، غیر قابل پیش بینی بودن آن است. این ویژگی، واجد این مزیت است که مردم در هر زمانی در حالتی از انتظار قرار بگیرند و تفکرات آنها دارای نوع خاصی از بلوغ و رشد گردد که ذاتا پذیرای عدالت و شیوه حکومت منجی باشند. از سویی دیگر متن جامعه خواهان و پذیرای عدالت بوده، شخصیت های حق جو و دارای ادراک صحیح عدل و ظلم در آن رشد نمایند. هنگامی که افراد جامعه معتقد به میزان ارزشمندی عدالت شوند ناگزیر، با یکدیگر هماهنگ شده و در جهت رسیدن به جامعه ای توأم با عدالت، رفاه، آرامش و آسایش مطلق تلاش خواهند کرد.

نکته مهم در این نوع جامعه آن است که با عنصری به نام «عصر ظهور» با برخاستن

«منجی» که در متون اسلامی تحت عنوان «مهدی» نام برده شده شکل می یابد و چنین حیاتی در عصر ظهور منجی دارای ویژگی های منحصر به فردی است. بنابر این، اندیشه «مهدویت» و «شرایط خاص زندگی انسان ها در زمان ظهور»، از مفاهیم روشن و موجود در قرآن و روایات معصوم است که به صورت کلی و جزئی بدان پرداخته شده است.

در مقدار زمانی حکومت منحصر به فرد حضرت که شرایط زندگی مردم در بهترین حالت ممکنه قرار می گیرد در روایات اختلاف وجود دارد. زیرا برخی روایات مدت حکومت حضرت را هفت سال^۲، برخی نوزده سال^۳ و برخی دیگر چهل سال^۴ معرفی کرده است. اگرچه روایات بیانگر هفت سال حکومت حضرت مشهور تر و بیشتر است. اما مهم، دقت نظر در میزان زمانی حکومت نیست بلکه آنچه که مهم است کیفیت زندگی مردم در آن دوران است که در محدوده آیات و روایات به عنوان بهترین و پیشرفته ترین جوامع، افکار و اعمال مردم از آن یاد شده است. تجلی عدالت فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در میان اقشار مختلف و آثار مفیدی که حضرت و کارگزارانش در میان مردم بر جای می نهند، جهانی توأم با آرامش و آسایش برای مردم فراهم خواهد ساخت که آرزوی هر انسانی در زندگی است و مقاله پیش رو با این سؤال مواجه است که در عصر ظهور و حکومت مهدوی، کیفیت زندگی چگونه خواهد بود و مردم در چه شرایطی روزگار سپری می کنند؟

سؤال مذکور در دو عرصه قابل پاسخ گویی است: نخست در قالب سیاست های راهبردی حکومت عدالت محور مهدوی، و دوم کیفیت زندگی مردم در عصر ظهور در گستره قرآن و سنت. آنچه که در چنین جامعه ای مبرهن است، برخورداری انسان ها از رشد، معنویت، عدالت و امنیت می باشد. در این عرصه، مشتاق شدن جهانیان به کیفیت حکومت حضرت، از مؤلفه هایی است که موجب برتری شرایط زندگی مردم عصر ظهور می گردد. این امر در قرآن و روایات به خوبی به تصویر کشیده شده است.

بنابراین، زندگی مردم در عصر ظهور که تحت حکومت حضرت مهدی(ع) قرار دارد در دو محور قابل بررسی است. محور اول که در دست حکومت و کارگزاران آن است به نوع سیاست های داخلی و خارجی فرمانروای حکومت و زیر مجموعه های آن مربوط است. در این نوع سیاست، عقاید و افکار مردم لزوماً باید همگام و همراه با عقاید حکومت

باشد. همسویی و همگرایی افکار و عقاید جز با تدبیرات خاص حاکم اصلی و کارگزارانش میسر نیست. زیرا ناهمگونی افکار و تناقض اعمال و رفتار مردم و حکومت، موجب ایجاد تشتت و پراکندگی و دیرکرد در نیل به اهداف اصلی و در بسیاری از مواقع موجب نرسیدن به کمال مورد نظر است. حکومت مهدوی در این عرصه با فرآوری تعجیز مدعیان مهدویت در محدوده ارائه معجزات و کرامات منحصر به فرد و استخراج کتب اصلی آسمانی و استقراء سمبل ها و عناصر مقدس در همه ادیان و مذاهب به استحکام عقاید مردم می پردازد. همسویی افکار و عقاید مردم، خود، مقدمه ای برای عملکردهای بعدی حکومت خواهد شد و در پرتو عمل به ابعاد مختلف مذکور در مقاله پیش رو، کیفیت زندگی در عصر مربوطه به طور تعجب آوری در جهات مثبت و مؤثر، تغییر خواهد کرد.

با توزیع عادلانه ثروت ها، رفع و ریشه کن نمودن فقر ایمانی، فکری، فرهنگی و اقتصادی، وراثت قطعی و منحصر به فرد صالحان در زمین میسر خواهد شد:

کیفیت سیاست های راهبردی قائم در حکومت جهانی

۱. استحکام عقاید مردم:

الف: تعجیز مدعیان مهدویت: «عجز» در لغت نقیض «حزم»^۵ و «عاجز» به معنای فرد ضعیف است که قدرت لازم برای انجام کار معین شده را ندارد^۶. «تعجیز» مصدر باب تفعیل از همین ریشه به معنای عاجز ساختن فرد مقابل و نشان دادن عدم توانمندی او در انجام کاری است^۷. و «اعجاز» مصدر باب افعال نیز همین معنا را می رساند که به معنای آوردن معجزه یا امری خارق العاده برای تعجیز و نشان دادن ناتوانی افراد مقابل است.^۸ یکی از اقدامات قائم^(ع) در جهت استحکام عقاید مردم، تعجیز مخاطبان با آوردن معجزات گوناگون است که موجب پذیرش توانایی غیر قابل تصور منجی توسط عموم مردم جهان می شود. در این میان هر کس که ایجاد دولت عدالت محور را ادعا می کند، قبل از ظهور حضرت به قدرت می رسد به طوری که یکی پس از دیگری مجال ظهور یافته، نقصان و ناکار آمدی هر یک بر مدعیان آن ثابت می گردد و حضرت مهدی با ارائه حکومت همراه با عدالت مطلق، ناتوانی مکاتب مقابل خویش را آشکار ساخته، با عنایت

خداوند، پایان کار را در دست نیکوکاران قرار می دهد. در روایات معصوم (ع)، این مطلب به تصویر کشیده شده است: «إِنَّ دَوْلَتَنَا آخِرَ الدَّوَلِ و لم يبق أهل البيت لهم دولة إلا ملكوا قبلها لئلا يقولوا إذا راوا سيدتنا اذا ملكنا سرنا بمثل هؤلاء و هو قول الله تعالى: «وَأَلْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (الأعراف، ۱۲۸/۷)؛ «همانا دولت ما پایان دولت ها است، و هیچ خاندانی که بخواهند به دولت و سلطنت رسند به جای نمانند جز این که پیش از ما به سلطنت خواهند رسید تا این که چون راه و روش ما را ببینند نگویند: چون ما به سلطنت برسیم، مانند اینان رفتار کنیم و همین است معنای سخن خداوند متعال که می فرماید: و پایان کارها از آن پرهیزکاران است».^۹

امام باقر (ع) پیرامون آیه مبارکه: «إِنْ نَشَأْ نُزَلِّ عَلَيْهِنَّ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ» (الشعراء، ۴/۲۶)؛ «اگر بخواهیم نشانی از آسمان بر ایشان فرو می فرستیم و مخالفان را خاضع و سرشکسته می سازیم». فرمود: «به زودی خدای متعال مصداق فرموده خود را ایجاد می فرماید». پرسیدم آنها که مصداق این آیه اند چه کسانی هستند؟ و در پاسخ فردی که از واژه «آیه» سؤال کرده بود، یکی از نشانه های عصر ظهور و تعجیز منکرین حق را معرفی نمود و فرمود: «... رکود الشمس ما بین زوال الشمس إلى وقت العصر و خروج صدر و وجه فی عین الشمس يعرف بحسبه و نسبه و ذلك فی زمان السفیانی» و عندها یکون بواره و بوار قومه؛ باقی ماندن خورشید در هنگام زوال تا وقت عصر و در چشمه خورشید سینه و صورت مردی ظاهر می شود که او را بخوبی بعنوان حسب و نسب می شناسند این پیش آمد در هنگام خروج سفیانی به وقوع می پیوندد و در این وقت مدت شوم او و پیروانش سپری می شود».^{۱۰}

ارائه معجزات پیامبران توسط حضرت قائم (ع)، یکی از روش های تعجیز مخاطبان است که زمینه مناسب را برای اثبات حقانیت جایگاه حضرت و گرایش مردم به دین اسلام فراهم خواهد ساخت. امام صادق (ع) می فرماید: «ما من معجزة من معجزات الانبياء و الأوصياء إلا يظهر الله تبارک و تعالی مثلها علی يد قائمنا لإتمام الحجة علی الأعداء»^{۱۱}. طبق این فرموده امام، حضرت مهدی (ع)، برآیند تمامی معجزات انبیاء و اوصیا را برای تجهیز حکومت و تمهید قلبی و عملی مردم جهان به همراه خواهد داشت و این از اقداماتی است که موجب استحکام عقاید مردم در سراسر جامعه بشریت می شود.

ب: تعلیم منحصر به فرد قرآن: برخی روایات حاکی از آن است که حضرت قائم (ع)، به شکلی نوین و منحصر به فرد، قرآن را آموزش می دهد. به عنوان مثال از امام باقر (ع) روایت شده: «هنگامی که قائم آل محمد (ع) قیام کند خیمه هائی بزند و قرآن را بترتیبی که فرود آمده بر مردم بیاموزد، آن روز برای کسانی که قرآن را حفظ کرده اند بسیار دشوار است زیرا آن طرز آموختن مخالف با ترتیب کنونی قرآن است» - یعنی: در ترتیب نزول سوره ها و آیات - ۱۲.

منطوق روایت فوق و روایات مشابه آن بیانگر آن است که قرآن با ترتیب اصلی خود آموزش داده می شود. به نظر می رسد مفهوم این روایات این مطلب را به ذهن متبادر می کند که قرآن در زمان ظهور قائم (ع) به صورت کامل پیاده می شود و چون قبل از آن حدود قرآن به طور تام مورد عمل افراد قرار نمی گرفت و به دیگر بیان عاملان قرآن اندک و قاریان الفاظ ظاهری قرآن فراوان بودند، در زمان ظهور به دلیل وجود مدینه فاضله و الزام تمامی کارگزاران به تمامی فرامین الهی که در قالب آیات قرآن بروز و نمود یافته، قرآن به شکل عملی نه صرفاً تئوری بلکه به شکل کاربردی که در اغلب موارد بر مردم سخت است تا به کار گرفته شود، آموزش داده می شود.

لذا به نظر می رسد که روایات مذکور ناظر به این بعد از حکومت مهدوی که آموزش نوین و عملکردی قرآن به تمامی مردم است نیز باشد. واضح است که چنین موردی به حلم، بردباری و عبادت بی شائبه نزد خداوند نیازمند است و این امر به فرموده قرآن جز بر «خاشعین» آسان نخواهد بود. ۱۳

امام صادق (ع) می فرماید: «إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ يَقُومُ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ وَ سُنَّةٍ وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ؛ هُنْكَامِي كَهَ قَائِمٍ بِهَ پَا خِيَزِد، اَمْرٍ جَدِيدٍ، كِتَابٍ جَدِيدٍ، رُوشٍ جَدِيدٍ وَ دَاوَرِي جَدِيدٍ بِا خُودِ مِي اُورِد». ۱۴

دلالت التزامی روایت فوق بیانگر آن است که حضرت، تلاوت کننده راستین کتاب خدا و مفسر حقیقی آن خواهد بود به همین دلیل است که حضرت: «تالی کتاب اللّه و ترجمانه» ۱۵ لقب گرفته است. در قرآن مجید این ویژگی به پیامبر (ص) نسبت داده شده و تعلیم کتاب و حکمت و پاکسازی بندگان، بلافاصله به تلاوت قرآن عطف گردیده است. قرآن می فرماید: «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ

وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (البقرة، ۲/۱۲۹) و «... يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لِنِي ضَالَالٍ مُبِينٍ» (آل عمران، ۳/۱۶۴) با توجه به مقام جانشین پیامبر بودن قائم (ع)، در جهت عملی کردن آرمان های الهی پیامبر (ص) تعلیم منحصر به فرد قرآن، مقدمه ضروری برای تزکیه افراد و جامعه عصر ظهور خواهد بود.

ج: استخراج کتب آسمانی و استقراء تام میراث پیامبران: قرآن کریم درباره مطالب مکتوب در کتاب های مقدس تورات و انجیل می فرماید: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ» (الأعراف، ۷/۱۵۷).

امام باقر (ع) پیامون این آیه می فرماید: «يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ؛ يعنى: پیامبر و وصی او و قائم (ع) را در تورات و انجیل نوشته می یابند».^{۱۶}

آیه مذکور بیانگر این است که نشانه های پیامبر آخر الزمان (ص) و جانشین قائمش (ع) در کتب آسمانی پیشین ذکر شده است. پیامبر (ص) بر این نکته تاکید می ورزد که حضرت مهدی (ع) در زمان حکومتش کتب آسمانی را به طور کامل استخراج کرده و این امر وی موجب تکمیل حجت تامه و استحکام عقاید عامه مردم خواهد شد.

امام صادق (ع) می فرماید: «إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ ظَهَرَ بِرَأْيَةِ رَسُولِ اللَّهِ وَخَاتَمِ سَلِيمَانَ وَحَجَرِ مُوسَى وَعَصَاهُ؛ هنگامی که قائم (ع) ظهور کند، پرچم رسول خدا (ص) و انگشتر سلیمان و سنگ و عصای موسی همراه وی خواهد بود».^{۱۷}

آیات و روایات مذکور نشان دهنده وجود نشانه های مورد احترام و عناصر مقدس در گستره حکومت مهدوی است که موجب استحکام عقیدتی مردم در دوران ظهور خواهد شد.

۲. ایجاد وحدت رویه جهان در پذیرش اسلام: از دیگر اقدامات بارز حضرت قائم (ع) ایجاد وحدت رویه در تمامی دنیا در امر پذیرش دین اسلام است. حضرت به گونه ای عمل می کند که همه مردم در هر منطقه، کشور و محلی که ساکنند، با وجود اختلاف قومیت، عرف ها و عادات، در یک محور با یکدیگر متفق می شوند. به طوری که در سراسر جهان در امر پذیرش اسلام، رویه ای واحد اجرا خواهد شد. از امام صادق (ع) نقل شده که در تفسیر آیه: «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا» (آل عمران، ۳/۸۳)

می فرمود: «اذا قام القائم لا يبقى ارض إلا نودی فيها شهادة أن لا اله إلا الله و أن محمدا رسول الله؛ هنگامی که قائم ماقیام کرد جایی در روی زمین باقی نمی ماند، مگر این که در آنجا صدای آشهد آن لا اله إلا الله و آشهد أن محمداً رسول الله بلند می شود». ۱۸

همچنین در قرآن، از غلبه و تسلط دین اسلام بر تمامی عالم سخن گفته شده است. اگرچه این غلبه بر خلاف میل و سلیقه های فردی مشرکان باشد: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (التوبة، ۳۳/۹ و الفتح، ۲۸/۴۸ و الصف، ۹/۶۱) مفهوم این آیه مبارکه حاکی از آن است که سرانجام، خداوند متعال زمینه ای را فراهم خواهد نمود که دین اسلام بر همه ادیان و مذاهب جهان غلبه نموده و تمامی مردم جهان به این بلوغ فکری، قلبی و عملی خواهند رسید که کاملترین و بهترین دین، اسلام است. در تفاسیر، مرجع ضمیر «ه» در «لِيُظْهِرَهُ» دین حق و ذیل آیه فوق، قیام امام زمان (ع) معرفی شده است ۱۹. یعنی: خداوند، او [امام زمان] را بر همه ادیان غالب می گرداند، هر چند مشرکین بدان مایل نباشند. بنابراین هیچ کس باقی نمی ماند جز اینکه به خاتمیت پیامبر (ص) اقرار خواهد کرد.

آیه مذکور، در سه سوره مبارکه قرآن به دلیل خبر دادن از واقعه پر اهمیت - جهانی شدن دین اسلام و غلبه آن در سراسر جهان -، تکرار شده است.

از امام صادق (ع) در تفسیر آیه: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» چنین نقل شده: «و الله ما نزل تأويلها بعد، و لا ينزل تأويلها حتى يخرج القائم (ع)، فإذا خرج القائم (ع) لم يبق كافر بالله العظيم و لا مشرك بالإمام إلا كره خروجه حتى لو كان كافر أو مشرك في بطن صخرة، قالت: يا مؤمن، في بطن كافر فاكسرنى و اقتله؛ به خدا سوگند هنوز محتوای این آیه تحقق نیافته است و تنها زمانی تحقق می پذیرد که «قائم» خروج کند و به هنگامی که او قیام کند کسی که خدا را انکار نماید در تمام جهان باقی نخواهد ماند». ۲۰

همچنین از امام باقر (ع) پیرامون تاویل آیه مبارکه: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» و کیفیت غلبه امام زمان بر همه ادیان سؤال شد. حضرت فرمود: «تأويل آن این آیه است: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ» (الأنفال، ۳۹/۸)؛ «چندان از مشرکان بکشید که دیگر فتنه ای در میان مردم نباشد و همه دین برای خدا باشد» بخدا قسم! اختلاف را از میان ملل و ادیان بر می دارد و همه دین ها یکی می شود چنان که

خدا فرموده: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران، ۱۹/۳). ۲۱

«با توجه به این که ائمه معصومین (ع) تالی تلو پیامبر (ص) در امر تفسیر قرآن نیز بوده اند، آیات مذکور با تفاسیر و توضیحاتی که ائمه (ع) پیرامون هر یک بیان می فرمودند، قابل ملاحظه است. آیات و روایات، از شرایط ویژه ای خبر می دهد که در آن وحدت رویه در پذیرش قلبی و عملی دین اسلام انجام خواهد شد.

۳. اعدام بدعت ها و قصاص جنایتکاران: برای عملی شدن ویژگی های ممتاز عصر ظهور، برخی از اقدامات اساسی توسط حضرت قائم (ع)، لزوماً تحقق خواهد یافت. در منابع دینی از مهمترین اقدامات قائم (ع)، از بین بردن بدعت ها و قصاص جنایتکاران تاریخ است که با جنایاتشان موجب گمراهی عموم مردم شدند و زمینه را برای ایجاد فساد فراهم نمودند. امام باقر (ع) به این مطلب اشاره می فرماید: «یهدم ما قبله کما صنع رسول الله و يستأنف الاسلام؛ آنچه از آثار بدعت و گمراهی قبل از وی بوده است، منهدم می کند چنان که پیغمبر اساس جاهلیت را منهدم کرد. آنگاه از نو اسلام را از سر می گیرد». ۲۲

از سویی دیگر، از امام رضا (ع) پیرامون حدیث امام صادق (ع) مبنی بر قصاص فرزندان قاتلین امام حسین (ع) به علت جنایت پدران آنها در حق حضرت سوال شد. حضرت پاسخ مثبت داد و این روایت را تایید نمود. زمانی که از آیه مبارکه «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (الإسراء، ۱۷/۱۵) و تناقض ظاهری این آیه با روایت امام صادق (ع) از امام رضا (ع) پرسش شد؟ فرمود: «صدق الله فی جمیع أقواله- و لکن ذراری قتلة الحسین یرضون- بفعال آبائهم- و یفتخرون بها و من رضی شیئاً کان کمن آتاه- و لو أن رجلاً قتل بالمشرق فرضی بقتله رجل بالمغرب- لکان الراض عند الله عزّ و جلّ شریک القاتل- و إنّما یقتلهم القائم (ع) إذا خرج لرضاهم بفعال آبائهم؛ خدا در جمیع سخنان خود راست می گوید. ولی فرزندان قاتلین امام حسین به آن عملی که پدران و اجدادشان انجام دادند راضی هستند و به آن اعمال افتخار می کنند. و کسی که به عملی راضی باشد نظیر این است که آن را انجام داده باشد. اگر مردی در مشرق کشته شود و مردی در مغرب به این عمل راضی باشد او نیز نزد خدا با قاتل شریک خواهد بود. حضرت قائم (ع) موقعی که خروج کند ایشان را برای رضایتی که به عمل پدرانشان دازند خواهد کشت». ۲۳

کیفیت زندگی در عصر ظهور در پرتو قرآن و سنت

۱. ریشه کن شدن استضعاف و استعباد مردم: دو قطبی شدن در عرصه اقتصادی و اجتماعی از مواردی است که موجب به استضعاف کشیدن گروه بسیاری از مردم می شود. استضعاف و استکبار در جوامع، قسمتی از نزاع بین مستکبران و مستضعفان جامعه را تشکیل می دهد. قرآن کریم مصادیق بارزی از استضعاف و استکبار را بیان کرده است. در روشنترین مصداق استضعاف، شیوه رفتاری فرعون و زیردستانش نسبت به مردم جامعه را ذکر می کند و می فرماید: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ» (القصص، ۴/۲۸) علو در زمین کنایه از ستمگری و بلندپروازی است^{۲۴}. فرعون با بلندپروازی ها و ابراز قدرت نمودن عامه مردم را به استضعاف کشاند. کشتن پسران و زنده نگه داشتن زنان برای استثمار و به بردگی کشاندن آنها از روشن ترین مصادیق استضعاف می باشد که در این آیه بیان شده است. بنابراین استضعاف می تواند بیانگر حالت و کیفیتی باشد که در ضمن آن، موقعیت و توانایی فرد مقابل تضعیف می شود. به طوری که راه چاره و رفع حل مشکل برای آنها باقی نمی ماند: «إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا» (النساء، ۹۸/۴) بر اساس آیات قرآن و تفاسیر معصوم^(ع)، ظهور منجی موعود، موجب از بین رفتن استضعاف و استعباد بندگان است زیرا در نزاعی که بین لشکریان منجی و اهریمنان موجود در سراسر جهان صورت می گیرد، حق، کاملاً بر باطل پیروز می گردد و باطل که سرمنشأ استضعاف مردم است، به طور کامل نابود می گردد.

تسلط و پیروزی حق بر باطل از سنت های الهی است که در قرآن به آن تصریح شده است. قرآن می فرماید: «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (الإسراء، ۸۱/۱۷) آیه مبارکه مذکور بیانگر این امر است که با آمدن حق و روشن شدن آن، باطل نابود خواهد شد. در بسیاری از کتب تفسیری روایاتی که ذیل آیه فوق ذکر شده به قیام حضرت مهدی^(ع) تفسیر شده به طوری که از روشن ترین مصادیق غلبه حق بر باطل است.

۲. تکمیل قوه تفکر، شکوفایی دانش و فن آوری های جدید: رسیدن انسان ها به مراتب والا و گسترش دید عقلی آنها از مهمترین اهداف خلقت است که زمینه را برای خلیفه اللهی در روی زمین فراهم می سازد. قرآن کریم به مسأله به کار بردن تفکر و قوه

ادراک اهمیت بسیاری داده و در بسیاری از آیات، مردم را با به کار بردن مکرر قوه تفکر و ادراک ترغیب و تشویق فرموده و یکی از ویژگی های دینداران واقعی را تفکر دانسته است . به عنوان مثال، پیرامون متفکرین می فرماید: «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (آل عمران، ۱۹۱/۳)؛ «همان ها که خدا را در حال ایستاده و نشسته، آن گاه که بر پهلو خوابیده اند، یاد می کنند . در اسرار آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند و می گویند: خداوندا! این ها را بیهوده نیافریده ای! منزهی تو! ما را از عذاب آتش، نگاه دار». از سویی دیگر، انسان های غافل را مورد نکوهش قرار می دهد: «أُولَٰئِكَ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ» (الروم، ۸/۳۰)؛ «آنان با خود نیندیشیدند که خداوند، آسمان ها و زمین و آنچه را میان آن دو است جز به حق و برای زمان معینی نیافریده است؟! ولی بسیاری از مردم - رستاخیز و لقای پروردگارشان را منکرند -» .

آیات فوق و آیات دیگر بیانگر این نکته مهم است که تعقل و گسترش دادن قوه ادراک و عقل عملی، در دین مبین اسلام، از اهمیت ویژه ای برخوردار است . به طوری که عصر ظهور در صورت گسترش قوه تعقل و تدبیر انسان ها مجال وجود می آید . امام صادق (ع) در این مورد می فرماید: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعِ يَدَهُ عَلَىٰ رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عَقُولَهُمْ وَ أَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ؛ هر گاه قائم قیام نمود، دست خود را روی سر مردم می گذارد، و بدان وسیله عقل های آنان جمع و اخلاقتان کامل می گردد». ۲۵

مفهوم بیان حضرت حاکی از آن است که آنچنان عقل ها و فضائل اخلاقی تکمیل می شود که تنگ نظری ها و افکار پلید از بین رفته و بلند نظری ها و تفکرات گسترده و شکوفا جای آنها را می گیرد .

همچنین می فرماید: «العلم سبعة و عشرون حرفاً فجميع ما جاءت به الرسل حرفان فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين فإذا قام قائمنا أخرج الخمسة و العشرين حرفاً فبثها في الناس و ضم إليها الحرفين حتى يثبتها سبعة و عشرين حرفاً؛ علم بیست و هفت حرف است . آنچه پیغمبران آورده اند دو حرف است و مردم هم تا کنون بیش از آن دو حرف ندانسته اند، پس موقعی که قائم ما قیام می کند بیست و پنج حرف دیگر را بیرون

می آورد و آن را در میان مردم منتشر می سازد و آن دو حرف را هم به آنها ضمیمه نموده تا آن که بیست و هفت حرف خواهد شد». ۲۶

روایت فوق نشان دهنده این مطلب است که در عصر ظهور، دانش های بشری به حد اعلا رسیده و در همه زمینه های مورد نیاز فردی و اجتماعی بروز و نمود خواهند یافت. اکنون پس از هزار و چهارصد و اندی سال که از زمان بعثت پیامبر (ص) گذشته است، با وجود پیشرفت جوامع و تکنولوژی های جدید، هنوز علوم بیست و هفت گانه به طور کامل کشف نشده است این کشف تام در پرتو زندگی در عصر ظهور مهدی پدید می آید به طوری که همه نادانسته ها و مجهولات در عرصه های مختلف من جمله عرصه پزشکی، صنعتی، تجاری و... تبدیل به دانسته ها و معلومات می گردد.

امام باقر (ع) می فرماید: «إِنَّمَا سَمِيَ الْمَهْدِيُّ لِأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى أَمْرِ خَفِيٍّ حَتَّىٰ إِنَّهُ يَبْعَثُ إِلَىٰ رَجُلٍ لَا يَعْلَمُ النَّاسُ لَهُ ذَنْبًا فَيَقْتُلُهُ حَتَّىٰ إِنَّ أَحَدَهُمْ يَتَكَلَّمُ فِي بَيْتِهِ فَيُخَافُ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْهِ الْجِدَارُ؛ مَهْدِيٌّ بِهِ هَذَا دَلِيلٌ مَهْدِيٌّ نَامِيْدَةٌ شَدَّةٌ كَمَا فِي الْأَمْرِ بِتَنْهَانِ الْهَدَايَةِ مَيَّ شُدُّوْا تَا أَنْجَا كَمَا كَاهُ أَوْ بِهٖ سِرَاغٌ كَسِي مَيَّ فَرَسْتَدُّ كَمَا مَرْدَمٌ أَوْ رَابِي كَنَاهُ دَانِسْتَهٗ وَ بِهٖ قَتْلٌ مَيَّ رَسَانْدُ تَا أَنْ جَا كَمَا بَرَخِي اَز مَرْدَمِ هَنْكَامِي كَمَا دَرُوْنِ خَانَهٗ خُودِ سَخْنِ مَيَّ كُوِيْنْدُ، مَيَّ تَرَسَنْدُ دِيُوَارِ بَرِ ضِدِّ أَنْهَا شَهَادَتٌ دَهْدُ».

روایت فوق بیانگر این امر است که بر اساس ابزار آلات پیشرفته در زمان ظهور که امری عادی و غیر خارق العاده است بهترین و دقیق ترین تسلط و نظارت بر کردار افراد وجود دارد.

۳. تثبیت وراثت صالحان در سراسر جهان: وراثت صالحان در زمین و تثبیت آن از اموری است که در کتاب های مقدس قبل از قرآن نیز به بندگان اعلام شده است. این وراثت، تبعات مفیدی دارد که موجب آسایش و آرامش عموم مردم جهان در زندگی شخصی و اجتماعی آنان می شود. قرآن کریم در این مورد می فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (الأنبياء، ۲۱/۱۰۵)؛ «و هر آینه به تحقیق نوشتیم در زبور بعد از ذکر این که زمین را ارث می برند بندگان من که صالح باشند».

بیشتر مفسران^{۲۷} بر این عقیده اند که آیه مذکور به وجود پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) و

خروج مهدی (ع) بشارت داده است. قسمتی از آیه فوق «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» یکی از آیاتی است که بر ظهور مهدی (ع) و رجعت ائمه دلالت می کند. مفاد آیه بیانگر این مطلب است که به زودی زمین از شرک و گناه پاک خواهد شد و انسان هایی که مصداق کامل بندگی و قدرشناس نعمت های الهی باشند، در کنار یکدیگر زندگی خواهند کرد.

۴. پاک شدن زمین از فقر و پلیدی و افزایش نعمت های مادی و معنوی: اندوختن گنج و ثروت توسط گنجینه داران در عصر ظهور، ممنوع اعلام می شود. زیرا در صورت اندوخته شدن ثروت در دست عده ای خاص، فقر و ناپاکی به صورت اساسی برچیده نخواهد شد. امام صادق (ع) در این مورد فرمود: «مَوْسَعٌ عَلَى شِيعَتِنَا أَنْ يَنْفَقُوا مِمَّا فِي أَيْدِيهِمْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا حَرَّمَ عَلَى كُلِّ ذِي كَنْزٍ كَنْزَهُ حَتَّى يَأْتِيَهُ بِهِ فَيَسْتَعِينُ بِهِ عَلَى عَدُوِّهِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (التوبة، ۳۴/۹)؛ شیعیان ما در فراخی بوده اند آزادند از این که آنچه را به دست می آورند در راه خیر و نیکی مصرف کنند ولی هنگامی که قائم ما قیام کند بر هر گنجینه داری اندوخته اش حرام می شود مگر آنکه آن را به خدمت آن حضرت آورد و از آن در جنگ با دشمن، یاری و کمک بگیرد و این است مفهوم سخن خداوند که می فرماید: کسانی که طلا و نقره می اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی کنند، آنان را به عذاب دردناکی بشارت ده». ۲۸.

در سایه غربال گری انجام شده توسط حضرت قائم (ع)، این فرصت پدید خواهد آمد که افراد پاک از ناپاک جدا شده، زمین از رذائل خالی خواهد گردید. در این رابطه، امام صادق (ع) ذیل آیه مبارکه: «مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ» (آل عمران، ۱۷۹/۳)، فرمود: «لَا تَذْهَبِ الدُّنْيَا حَتَّىٰ يَنَادِيَ مَنَادٌ مِنَ السَّمَاءِ يَا أَهْلَ الْحَقِّ اجْتَمِعُوا فَيَصِيرُونَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ ثُمَّ يَنَادِي مَرَّةً أُخْرَىٰ يَا أَهْلَ الْبَاطِلِ اجْتَمِعُوا فَيَصِيرُونَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ قُلْتُ فَيَسْتَطِيعُ هَؤُلَاءِ أَنْ يَدْخُلُوا فِي هَؤُلَاءِ قَالَ لَا وَاللَّهِ وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ»؛ دنیا پایان نخواهد پذیرفت تا آنگاه که آواز دهنده ای از آسمان آواز دهد: ای اهل حق گرد هم آئید؛ پس همگی بر یک قطعه زمین گرد آیند. سپس بار دیگر آواز دهد: ای اهل باطل گرد هم آئید؛

پس آنان همگی بر یک قطعه زمین گرد آیند... و این است قول خدای عزّ و جلّ: خداوند مؤمنین را بر آنچه شما هستید رها نمی کند تا آنگاه که ناپاک را از پاک جدا سازد».^{۲۹}

از سویی دیگر، پیامبر (ص) یکی از ویژگی های عصر ظهور را برقراری سنت کامل خویش مبنی بر پاکی زمین از پلیدی و افزایش برکت های مادی و معنوی برای ساکنان زمین معرفی نمود و فرمود: «تنعم امتی فی زمن المهدی نعمة لم یعموا مثلها قطّ؛ در زمان ظهور مهدی (ع) ، امت من دارای نعمت هایی هستند که تاکنون مانند آن را نداشته اند».^{۳۰}

امام صادق (ع) یکی از مهمترین ویژگی های قیام حضرت مهدی (ع) را روشن شدن زمین از نور پروردگار می داند. بدیهی است که، در صورتی این انوار بر بندگان تابیده می شود که آنان در زمین از پلیدی و تنگدستی رهایی یابند.

حضرت بلافاصله پس از این بیان، به توسعه اقتصادی و برکت های مادی و معنوی در عصر ظهور اشاره می فرماید به طوری که مردم برای اعطای زکات خویش به جستجوی افراد نیازمند و واجد شرایط زکات می پردازند و کسی را واجد دریافت زکات نمی یابند:

«إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَاسْتَغْنَى الْعِبَادُ عَنِ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَ ذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ وَ يَعْمَرُ الرَّجُلُ فِي مَلِكِهِ حَتَّى يُولِدَ لَهُ أَلْفَ ذَكَرٍ لَا يُولِدُ فِيهِمْ أُنْثَى وَ تَظْهَرُ الْأَرْضُ كَنُوزِهَا حَتَّى يَرَاهَا النَّاسُ عَلَى وَجْهَيْهَا وَ يَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ وَ يَأْخُذُ مِنْهُ زَكَاتَهُ فَلَا يَجِدُ أَحَدًا يَقْبَلُ مِنْهُ ذَلِكَ اسْتَغْنَى النَّاسُ بِمَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛ همانا چون قائم ما قیام کند زمین به نور پروردگارش روشن شود، و مردم از نور خورشید بی نیاز گردند، و تاریکی یکسره از میان برود، و مردم در زمان سلطنت آن حضرت عمرهای طولانی کنند تا آنجا که دارای هزار پسر شوند که در میان آنها هیچ دختر متولد نشود، و زمین گنج های خود را آشکار سازد بدانسان که مردم در روی زمین گنج ها را ببینند و مردم برای احسان کردن به کسی به وسیله مال خود با دادن زکات به او جستجو کنند و هیچ کس را نیابند که احسان یا زکات را بپذیرد، و مردم بواسطه آنچه خداوند بدانها روزی کرده همگی بی نیاز و توانگر شوند».^{۳۱}

مفهوم آیات و روایات فوق، بیانگر این مطلب است که لطف و رحمت الهی در صورتی آشکار می شود که هیچ قدرت، سازمان یا تشکیلاتی توان مقابله با دوقطبی شدن جامعه بشریت، پلیدی ها و فقر سراسری مردم را ندارد. از این رو خداوند متعال به برکت

حضور قائم، جامعه ای به دور از فقر، نابسامانی و احتکار ثروت ها را بنا خواهد ساخت.

۵. توزیع عادلانه ثروت و ایجاد رفاه، امنیت و عدالت مطلق در سراسر جهان:

برپایی عدالت مطلق و سراسری در تمامی ابعاد از اهداف مهم انبیاء و اولیای الهی بوده است. قرآن کریم در این مورد می فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (الحديد، ۲۵/۵۷)؛ «ما رسولان خود را همراه با معجزات روشن گسیل داشتیم، و با ایشان کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم را به عدالت خوی دهند».

قرآن کریم می فرماید: «وَمِنْ قَوْمٍ مُّوسَىٰ أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ» (الأعراف، ۱۵۹/۷)؛ «و از قوم موسی جماعتی بودند که به حق هدایت می کردند و به حق عمل می نمودند».

پیرامون تعیین این افراد در تفاسیر اقوال متعددی وارد شده است. عیاشی از حضرت صادق (ع) روایت کرده که فرمود: «هم أهل الاسلام؛ آنان مسلمانان هستند». همچنین مفضل از آن حضرت روایت کرده که: «آنها بیست و پنج نفر هستند که جزو اصحاب قائم (ع) هستند که از ظهر کوفه - و در نسخه دیگر از ظهر کعبه - خارج می شوند». از امام باقر (ع) روایت شده که: «آنها جماعتی بودند که از بنی اسرائیل کناره گرفتند و به ما وراء چین رهسپار شدند به طوری که بین آنها و چین، بیابانی رمل زار است»^{۳۲}. هم چنین از امام علی (ع) روایت شده: «قوم موسی هفتاد و یک فرقه شدند کل آنها در آتش هستند مگر یک فرقه ناجیه». امام (ع) در جهت استدلال، به آیه مبارکه فوق تمسک نمود، تحقیق کلام، حاکی از این مطلب است که در هر زمانی حتی در دوره جاهلیت، یاوران حق، وجود داشته اند اگرچه گروه مذکور، جزء اقلیت جامعه و به شکلی پوشیده و مخفی از عموم مردم باشند. در این صورت نیز جامعه در طول زمان هیچگاه از حجت الهی خالی نبوده، به واسطه این حجت ها، برکات نازل می شد. بنابر این، هرگز این گونه نبود که تمام أهل زمین بر باطل باشند.^{۳۳}

حکومت حضرت که با نیروهای انسانی عادل و با تقوا اداره می شود، با اجرای عدالت تام همراه خواهد بود. امام صادق (ع) در این مورد می فرماید: «چون قائم قیام کند به حکم داوود میان مردم حکم خواهد کرد به طوری که به گواه و شاهد نیازمند نخواهد بود. خدای تعالی به او الهام فرماید و او از روی علم خود داوری کند، و هر کس را بدانچه در دل خود پنهان کرده آگاهی دهد و دوست خود را از دشمن به فراست و هوشمندی بشناسد. خدای

سبحان فرماید: همانا در آن است نشانه هائی برای هوشمندان و همانا آن به راهی است پایدار و استوار» (الحجر، ۱۵ / ۷۵-۷۶). ۳۴

عدالت کامل حضرت با تأیید کامل خداوند و حمایت تام فرشتگان و آنچه مواجه خواهد بود. امام علی (ع) در قسمتی از سخنانش خطاب به عمر بن خطاب نیز به این امر اشاره می فرماید: «... ثُمَّ يَظْهَرُ رَجُلٌ مِّنْ وَلَدِي فِيمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأْتَ ظُلْمًا وَجوراً يَأْتِيهِ اللَّهُ ببقيا قوم موسى و يحيى له أصحاب الكهف و يؤيده الله بالملائكة و الجنّ و شيعتنا المخلصين و ينزل من السماء قطرها و تخرج الأرض نباتها؛ بعد از نسل من مردی آشکار گردد زمین را پر از عدل و داد کند همان طوری که پر از جور و ستم گردیده خداوند باقیمانده قوم موسی را بیاورد، برای او اصحاب کهف را زنده کند، خداوند او را به وسیله فرشتگان و جنیان و شیعیان با اخلاص ما یاری کند از آسمان باران فرود آید، زمین گیاهش را برویاند». ۳۵

امام صادق (ع) با استناد به آیه مبارکه: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ * وَإِنَّهَا لَبِسَبِيلٍ مُّقِيمٍ» (الحجر، ۱۵ / ۷۵-۷۶) به قضاوت عادلانه حضرت قائم (ع) در عصر ظهور اشاره نموده و فرمود: «حکم بین الناس بحکم داود لا یحتاج إلى بیّنة یلهمه الله تعالی فیحکم بعلمه و یخبر کلّ قوم بما استبطنوه و یعرف ولیّه من عدوّه بالتوسّم قال الله سبحانه و تعالی إنّ فی ذلك لآیات للمتوسّمین و إنّها لبسبیل مقیم؛ چون قائم آل محمد قیام کند در میان مردم مانند داود پیغمبر حکومت می فرماید و به دلیلی نیازمند نمی باشد. زیرا خداوند به او الهام می فرماید. در نتیجه طبق دانش خویش، عمل می نماید و از باطن همگان اطلاع می دهد و از روی قیافه، دوست از دشمنش را امتیاز می دهد». خدا فرمود: «همانا در این کار نشان هائی است برای قیافه شناسان و همانا آن راه راست و دقیقی است». ۳۶

در پرتو عدالت ایجاد شده توسط حضرت قائم (ع)، امنیتی برای پیروانش فراهم خواهد آمد که تا آن زمان هیچ حکومت و دولتی توفیق برقراری آن را نیافته است. این امنیت در عصر ظهور در آیاتی از قرآن تجلی یافته است. آیاتی از قرآن وجود دارد که دستور به سفر در مکان همراه با امنیت کامل را ارائه فرموده است. امام صادق (ع) در تفسیر آیه مبارکه «سِرُّوا فِيهَا لِيَالِي وَآيَاتًا آمِنِينَ» (سبأ، ۱۸/۳۴) که ابوحنیفه آن مکان امن را فاصله بین مکه و مدینه تفسیر نموده بود، در ضمن ارائه پاسخ نقضی به وی مبنی بر این که بین این محدوده،

راهزنانی وجود داشته اند که امنیت آن را مخدوش ساخته اند، مکان این آرامش را دولت قائم آل محمد (ص) معرفی فرمود. همچنین در تفسیر آیه مبارکه: «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» (آل عمران، ۹۷/۳) که أبوحنیفه آن مکان امن را خانه خدا تفسیر کرده بود، در ضمن ارائه پاسخ نقضی به أبوحنیفه مبنی بر این که حجاج بن یوسف جرثقیل به خانه خدا بست و عبد الله بن زبیر را که پناه به آنجا برده بود به قتل رسانید و امنیت خانه خدا را مخدوش ساخت، فرمود: «... فَمَنْ بَايَعَهُ وَدَخَلَ مَعَهُ وَمَسَحَ عَلَيَّ يَدَهُ وَدَخَلَ فِي عَقْدِ أَصْحَابِهِ كَانَ آمِنًا الخبر؛ هر کس داخل آن شود آسوده است، یعنی: هر کس با قائم بیعت کند و در سلک پیروان وی داخل شود و دست او را بفشارد در کمال امن خواهد بود».^{۳۷}

آیات و تفسیر مذکور روشنگر امنیت مطلق و سراسری در عصر ظهور است که برای مؤمنان و پیروان حضرت به صورت کامل فراهم می شود.

نتیجه گیری

تأمل و تدبر در آیات و روایات، نتایج ذیل را به ذهن متبادر می سازد:

۱. مدینه فاضله پیش بینی شده در قرآن و روایات با تغییر در تفکرات سطحی و افزایش نگرش تعقل افراد پدید می آید.
۲. عدالت مطلق توسط منجی قطعا در همه عرصه های امکان پذیر خواهد شد. زیرا وی به باطن افراد آگاهی کامل یافته و زمینه ای برای ایجاد ظلم فراهم نخواهد شد.
۳. شرایطی فراهم می شود که مردم عملا به راستگویی و دیگر فضائل اخلاقی هدایت شوند به طوری که متن جامعه ذاتا پذیرای رذائل نخواهد بود. یک مسلمان، به گونه ای زندگی می کند که در صورت کتمان حقائق و عدم راستگویی، ظرف چند ثانیه حقیقت اعمال و رفتارش آشکار می شود.
۴. نوع سیاستی که حاکمان الهی در پرتو حکومت عدل الهی به کار می برند، جامعه را به سوی امنیت و آرامش مطلق سوق می دهد

۱. ر. ک: جمهوری افلاطون «ترجمه لطفی»؛ آرمانشهر «یوتوپیا» مور تامس «ترجمه آشوری» / ۶۱.
۲. الإرشاد فی معرفة حجج اللّٰه علی العباد، ۲ / ۳۸۱.
۳. همان / ۳۸۷.
۴. منتخب الأثر / ۶۱۷.
۵. لسان العرب، ۵ / ۳۶۹.
۶. کتاب العین، ۱ / ۲۱۵.
۷. تاج اللغة و صحاح العربية، ۳ / ۸۸۳.
۸. همان / ۸۸۴.
۹. الإرشاد فی معرفة حجج اللّٰه علی العباد، ۲ / ۳۸۵.
۱۰. همان، ۲ / ۳۷۳؛ ارشاد «ترجمه ساعدی خراسانی» / ۶۹۶.
۱۱. منتخب الأثر / ۳۸۷.
۱۲. ارشاد «ترجمه رسولی محلاتی»، ۲ / ۳۶۱.
۱۳. «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (البقرة، ۲ / ۴۵).
۱۴. إثبات الهداة، ۷ / ۸۳.
۱۵. مفاتيح الجنان «زیارت آل یاسین» / ۸۶۳.
۱۶. معجم أحداث الإمام المهدي (ع) «علی کورانی»، ۵ / ۱۲۰. ۳۳. أطيّب البيان، ۵ / ۶.
۱۷. منتخب الأثر / ۳۸۶.
۱۸. مهدی موعود «ترجمه جلد سیزدهم بحار الأنوار» / ۱۱۲۲؛ ۳۵. إرشاد «ترجمه رسولی محلاتی»، ۲ / ۳۶۲.
- به همین مضمون در الإرشاد فی معرفة حجج اللّٰه علی العباد، ۲ / ۳۸۵ ذکر شده است.
۱۹. المیزان، ۹ / ۲۴۷؛ تفسیر عیاشی، ۲ / ۸۷؛ الأصفی بحار الأنوار، ۲ / ۳۸۶؛ بحار الأنوار، ۲ / ۶۵؛ سیوطی، ۲ / ۶۵؛ الحاوی للفتاوی «سیوطی»، ۲ / ۶۵؛ بحار الأنوار، ۵۱ / ۸۴.
۳۷. الإرشاد فی معرفة حجج اللّٰه علی العباد، ۲ / ۳۸۶؛ بحار الأنوار، ۲ / ۳۱۴؛ مهدی موعود «ترجمه جلد سیزدهم بحار الأنوار» / ۱۱۰۷.
۲۰. البرهان فی تفسیر القرآن، ۲ / ۷۷۰؛ المیزان، ۹ / ۲۴۷.
۲۱. مهدی موعود «ترجمه جلد سیزدهم بحار الأنوار» / ۱۱۴۸.
۲۲. همان / ۱۱۲۴.
۲۳. بحار الأنوار، ۴۵ / ۲۹۵.
۲۴. المیزان، ۸ / ۱۶.
۲۵. بحار الأنوار، ۵۲ / ۳۳۶؛ مهدی موعود «ترجمه جلد سیزدهم بحار الأنوار» / ۱۱۱۳.
۲۶. همان.
۲۷. بحار الأنوار، ۵۲ / ۳۹۰.
۲۸. أطيّب البيان، ۹ / ۲۵۴؛ المیزان، ۱۴ / ۳۳۰؛ الإرشاد إلى تفسیر القرآن، ۱ / ۳۳۶؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ۳ / ۸۴۸؛ الأصفی فی تفسیر القرآن، ۲ / ۷۹۳.
۲۹. الکافی، ۴ / ۶۱؛ تفسیر الصافی، ۲ / ۳۴۱.
۳۰. الغيبة للنعمانی / ۳۲۰.
۳۱. صحیح مسلم، ۴ / ۲۲۳۴.
۳۲. الإرشاد فی معرفة حجج اللّٰه علی العباد، ۲ / ۳۸۱؛ إرشاد «ترجمه رسولی محلاتی»، ۲ / ۳۶۲.
۳۳. أطيّب البيان، ۵ / ۶.
۳۴. همان / ۶.
۳۵. إرشاد «ترجمه رسولی محلاتی»، ۲ / ۳۶۲.
۳۶. الحاوی للفتاوی «سیوطی»، ۲ / ۶۵؛ بحار الأنوار، ۵۱ / ۸۴.
۳۷. الإرشاد فی معرفة حجج اللّٰه علی العباد، ۲ / ۳۸۶؛ بحار الأنوار، ۲ / ۳۱۴؛ مهدی موعود «ترجمه جلد سیزدهم بحار الأنوار» / ۱۱۰۷.